جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۳۱ | سه‌شنبه اول مهر ۱۳۹۹ | ٤ صفر ۱٤٤۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۷ |
غروب آفتاب: ۱۸:۰۱ | اذان مغرب: ۱۸:۱۹ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۵ | اذان صبح فردا: ۰٤:۲۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۳ |

نقد کتاب | رامین جهان‌پور

نگاهی به کتاب «وقتی سفر آغاز شد»

مینی‌مال‌هایی از جنگ

وقتی سفر آغاز شد کوششی است برای بهتر دیده شدن و بهتر خوانده شدن خاطرات رزمندگان در جنگ. معمولاً در کتاب‌هایی که مستقلاً یا مشترکاً به خاطرات و زندگینامه‌های رزمندگان دوران جنگ پرداخته است به مطالب و متن‌های طولانی برمی‌خوریم که مطالعه‌اش وقت زیادی را از خوانندگان می‌گیرد اما این بار انتشارات صریر به همت رقیه کریمی دست به کار جالبی زده و خاطرات ۱۴۳ رزمنده شهید دفاع مقدس را به صورت داستانک‌هایی مینی‌مال درآورده تا هم خواندن آن برای مخاطب راحت‌تر باشد و هم وقت کمتری از او بگیرد. معروف است که وسایل عمومی نقلیه مثل مترو و اتوبوس و تاکسی و سالن‌های انتظار بهترین مکان برای خواندن داستان‌های مینی‌مال هستند. در این مینی‌مال‌ها رقیه کریمی با کنکاش و تحقیق از زندگی شهدا بی‌آنکه به کل زندگی آنها بپردازد، فقط برشی کوتاه در حد چهار تا پنج خط از زندگی آنها را به صورت داستانک در کتابش آورده است که همان چند سطر در کمترین حجم باعث می‌شود مخاطب با احساسات و روحیات آن رزمنده‌ها آشنا شود. نکته جالب توجهی که در این خاطرات واقعی به چشم می‌خورد این است که اکثر رزمندگانی که مؤلف به خاطرات آنها در جبهه پرداخته دانش‌آموز هستند و کمتر از ۱۷ سال دارند و آنطور که از شواهد متن کتاب پیداست، نوجوان هستند. چون رزمندگانی که در این کتاب از خاطرات آنها گفته شده بعضی از آنها قدوقامتشان به بلندای یک اسلحه ژ۳ است و برخی به خاطر اینکه بتوانند داوطلب عازم جبهه شوند، روی صندلی اتوبوس کیف مدرسه‌شان را گذاشته‌اند تا قدشان بلندتر نشان داده شود و بعضی‌ها هم برای لورفتن اثر انگشت به جای انگشت سبابه از انگشت شست پا استفاده کرده‌اند. در صورتی که چه در مقدمه و چه در پایان داستان هیچ اشاره‌ای به نوجوان بودن شهدای این کتاب نشده است، به جز اینکه در پایان هر داستانک و در منابع و مأخذ آخر کتاب، نام این ۱۴۳ شهید رزمنده آورده شده است اما نکته‌ای که به زیباتر شدن داستان در طبقه‌بندی آن کمک شایانی می‌کرد، این بود که ای کاش دست‌کم نوشته‌های این کتاب به دو قسمت از خاطرات رزمنده‌های کم‌سن و سال و نوجوان و رزمندگان بزرگسال تقسیم می‌شد، هر چند نثر روان و ساده داستان‌ها و شیوه نگارش این کتاب باعث شده تا تمام گروه‌های سنی با آن ارتباط بگیرند. در اینجا بد نیست، به عنوان مثال یکی از داستانک‌های این کتاب را با هم مرور کنیم تا هم با نوع نوشته‌ها و هم با چارچوب نگارشی این داستان‌ها آشنا شویم. کتاب در ۱۶۴ صفحه با قطع رقعی در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

به مسئول اعزام گفت: می‌خوام برم جبهه.
پرسید: شما محصلید؟
گفت بله!
بلند شد و صورتش را بوسید.
-من به جای تو می‌جنگم. تو درس‌هایت را بخوان که آینده‌ساز انقلابی...

صدا

«رادیو اربعین» نخستین رادیوی ۲۴ساعته تصویری رسانه ملی

رادیو اربعین به عنوان نخستین رادیوی تصویری ۲۴ساعته رسانه ملی از طریق نرم‌افزار کاربردی «ایران‌صدا» در دسترس مخاطبان قرار گرفت.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی رادیو اربعین، حامد فاتحی مدیر این شبکه رادیویی با اعلام این خبر گفت: همزمان با راه‌اندازی رادیو اربعین ۹۹، ایده تصویری شدن این رادیو را مطرح و مراحل اجرایی آن را در دستور کار قرار دادیم. وی ادامه داد: به همت و پشتیبانی شبانه‌روزی اداره کل فنی معاونت صدا در کمتر از یک روز تجهیزات تصویری در استودیو پخش ساختمان شیشه‌ای راه‌اندازی و عوامل اجرایی را پای کار آوردند و درگاه انتشار ایران‌صدا در اختیار قرار گرفت. فاتحی عنوان کرد: با این اتفاق، علاقه‌مندان پرمخاطب‌ترین رادیوی مناسبتی در آستانه اربعین حسینی می‌توانند این شبکه را علاوه بر دریافت از طریق گیرنده‌های رادیویی و رادیو نما، برای نخستین بار به صورت تصویری و ۲۴ساعته از طریق نرم‌افزار کاربردی ایران‌صدا و همچنین از طریق نرم‌افزار و تارنمای «هیئت آنلاین» و نیز تارنمای «تکیه» دنبال کنند که از همت این عزیزان هم سپاسگزاریم.

این همه داستان جنگی بفرمایید اقتباس کنید!

در حالی که ادبیات داستانی دفاع مقدس غنی است اما سینما و هنرهای نمایشی همچنان در اقتباس از داشته‌های ادبی این حوزه سر باز می‌زنند

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

سخنان روز گذشته رهبر معظم انقلاب در رابطه با توجه بیشتر به ادبیات دفاع مقدس به عنوان بستر اصلی گونه‌های متنوع ادبی و نیز لزوم تولید نمایشنامه‌های متنوع و اقتباسی مطالبه تازه‌ای نیست اما سازمان سینمایی وزارت ارشاد و حتی مراکز و نهادهای انقلابی درگیر تولید فیلم، رغبتی به دریای غنی ادبیات دفاع مقدس نشان نمی‌دهند و همین بی‌اعتنایی منجر به تنزل کیفیت آثار دفاع مقدس در هنرهای نمایشی به خصوص عرصه سینما و تئاتر شده است.

بسیاری از کتاب‌های دفاع مقدسی که از آنها به عنوان ادبیات پایداری یاد می‌شود، بنیه و ظرفیت تبدیل شدن به آثار نمایشی و سینمایی را دارند، کما اینکه در طول ۴۰ سال گذشته و در مقاطع مختلف کسب جایگاه پرفروش‌ترین و پرمخاطب‌ترین آثار سینمایی کشورمان متعلق به آثار دفاع مقدسی است.

تقریظ نگاری رهبر معظم انقلاب بر آثار حوزه ادبیات پایداری با نوشتن جملات پراحساس ناظر بر محتوای آثار و تقدیر از رویکرد و قلم نویسندگان که از سال ۱۳۷۰ شمسی آغاز شده است بر کسی پوشیده نیست.

در میان آثاری که مفتخر به کسب تقریظ از مقام معظم رهبری شده‌اند، آثار پرجاذبه‌ای وجود دارند که در مورد اقشار مختلف مردم بالاخص جوانان، دختران و زنان کشورمان است که توانایی بالقوه‌ای برای تبدیل به آثار نمایشی و سینمایی دارند که موفقیت آثار سینمایی مانند فیلم «شیار ۱۴۳» در جذب مخاطب و فروش قابل اعتنایش، شاهدی بر این مدعاست. در این نوشتار به بخشی از آثار غنی ادبیات داستانی در حوزه دفاع مقدس اشاره می‌کنیم، با ابراز امیدواری در این باره که مدیران سینمایی نهادهایی که بودجه‌های فرهنگی را در دست دارند به این داشته‌ها توجه کنند و نقش ادبیات در تولید یک اثر نمایشی خوب را بیشتر بشناسند و به کار گیرند. چه بسیار آثار سینمایی که با دست و دلبازی مالی در چند دهه اخیر ساخته شده که به دلیل ضعف در داستانگویی در ارتباط گیری با مخاطب ناموفق بوده است؛ آثاری که به لحاظ تکنیک‌های کارگردانی و طراحی صحنه چشم‌نوازند اما در روایتگری و دیالوگ‌نویسی از نقصان و ضعف شدید رنج می‌برند و مدام تولید این آثار بدون توجه به نقاط ضعف و رفع آنها تکرار می‌شود.

چه بسیار آثار سینمایی که با دست و دلبازی مالی در چند دهه اخیر ساخته شده که به دلیل ضعف در داستانگویی در ارتباط‌گیری با مخاطب ناموفق بوده است

■ **«دختر شینا»**

کتاب «دختر شینا» از آثار با موضوع خاطرات زنان است که با قلمی روان به روایت زندگی قدم‌خیر محمدی کنعان همسر سردار شهید حاج ستار ابراهیمی می‌پردازد که در سن ۲۲سالگی، همسرش به شهادت رسیده و با وجود پنج فرزند، ازدواج نکرده و به تنهایی فرزندانش را بزرگ کرده است. این اثر را بهناز ضرابی‌زاده به رشته تحریر درآورده است. نکته جالب در رابطه با این کتاب اینکه فیلمنامه‌ای قابل دفاع از این اثر توسط نرگس آبیار تهیه شد و قرار بود با کمک برخی مراکز و نهادهای انقلابی ساخته شود که متأسفانه این مهم محقق نشد و فعلاً فیلمنامه این اثر در حال خاک خوردن است.

■ **«گلستان یازدهم»**

«گلستان یازدهم» خاطرات زهرا پناهی‌روا، همسر سردار شهید علی چیت‌سازیان، به قلم بهناز ضرابی‌زاده است. این کتاب با زبانی صادقانه به شرح زندگی یک سال و هشت‌ماهه مشترک شهید چیت‌سازیان و همسرشان پرداخته است؛ فرماندهی که در جبهه به دلیل مهارت‌های رزمی و شجاعتش به «عقرب زرد» معروف بود، در خانه با مادر و همسرش به اندازه‌ای با مهر و محبت رفتار می‌کرد که گویی این قلب رئوف هیچ‌گاه سابقه حضور در حرب و قتال را نداشت. «گلستان یازدهم» به زیباترین شکل توانسته است قسمت مهمی از نیمه پنهان زندگی شهید چیت‌سازیان را به مخاطبان معرفی کند.

■ **«فرنگیس»**

خاطرات فرنگیس حیدرپور اثر برگزیده جایزه کتاب سال دفاع مقدس به قلم مهناز فتاحی است که به روایت خاطرات زنی شجاع که در مقام دفاع توانست سرباز دشمن را اسیر کند و نیروی دشمن را به خاک و خون بکشاند، می‌پردازد. رهبر انقلاب در سفرشان به کرمانشاه به این بانوی بزرگ اشاره کرده بودند و بر ثبت خاطراتش تأکید داشتند. فرنگیس در زمان آغاز جنگ تحمیلی یک دختر جوان ۱۸ ساله بود.

■ **«تپه‌های لاله سرخ»**

این اثر نخستین کتابچه مستقل منتشر شده درباره زندگی «سهام خیام» است. در این پژوهش که بر اساس مصاحبه شفاهی با پدر، مادر، خواهر و شاهدان عینی شهادت سهام خیام و مراجعه به برخی اسناد آرشیوهای منتشر نشده و کتاب‌ها و مجلات انجام گرفته، زندگی کوتاه این دانش‌آموز ۱۲ ساله که در سال ۱۳۵۹ در هویزه و با اصابت گلوله به پیشانی به شهادت رسیده است، روایت می‌شود.

■ **«دا»**

در این کتاب سیده‌زهرا حسینی خاطرات خود از روزهای مقاومت و روزهای پس از آن را با جزئی‌ترین موارد روایت می‌کند تا آنجا که این گونه جزئی‌نگری و بیان لحظه لحظه وقایع باعث شده تا بسیاری آن را رمان بنامند، حال آنکه این کتاب سراسر خاطرات واقعی و حقیقی سیده‌زهرا از آن روزهاست. راوی در آن روزها تنها ۱۷ سال داشته و اهمیت این کتاب شاید در این باشد که وقایع جنگ ما برای اولین بار از زاویه دید یک دختر نوجوان روایت شده است؛ خاطراتی که راوی حدود ۲۰ سال آنها را در درون سینه خود همچون یک راز حفظ کرد و حرفی از آن نزد.

■ **«من زنده‌ام»**

کتاب‌های زیادی هستند که حال و هوای دفاع مقدس را زنده می‌کنند، همانطور که تعداد قابل توجهی کتاب، به نقش زنان در دفاع مقدس می‌پردازند، از میان این کتاب‌ها برخی هم به زندان‌ها و اردوگاه‌های عراق سرک کشیده‌اند تا روایتگر، حال و روز اسرای ایرانی در دوران سخت اسارت باشند، اما بین همه این کتاب‌ها شاید خیلی کم باشند آنهایی که دوران اسارت زنان ایرانی در چنگال بعثی‌ها را به تصویر بکشند. خواندن حکایت اسارت، رنج‌ها، امیدها و تلاش‌های یک دختر ۱۷ساله ایرانی در طول چهار سال اسارت در عراق آنقدر جذابیت دارد که بتوان کتاب را تند و تند ورق زد و کلماتش را بلعید.

این آثار تنها بخش اندکی از ده‌ها اثری است که می‌توان به عنوان محتوای بالقوه برای تولید و نوشتن نمایشنامه‌های جذاب، گیرا و سرشار از هیجان از آنها نام برد که به دلیل محتوای ویژه و ابعاد شخصیتی گوینده همه مؤلفه‌های یک داستان و نمایشنامه دراماتیک را دارا هستند و نیازمند توجه جدی مسئولان و فعالان حوزه فرهنگ و هنر برای تبدیل به آثاری فاخر و ماندگار می‌باشند.

حکمت

امیرالمؤمنین علی(ع):

افراد عیب‌دار، دوست دارند عیوب مردم را پخش کنند تا بهانه‌ای برای معایب خویش فراهم آید.

غرر الحکم، (چاپ دانشگاه) ج۴، ص۳۴۰.

نما | حسین کشتکار

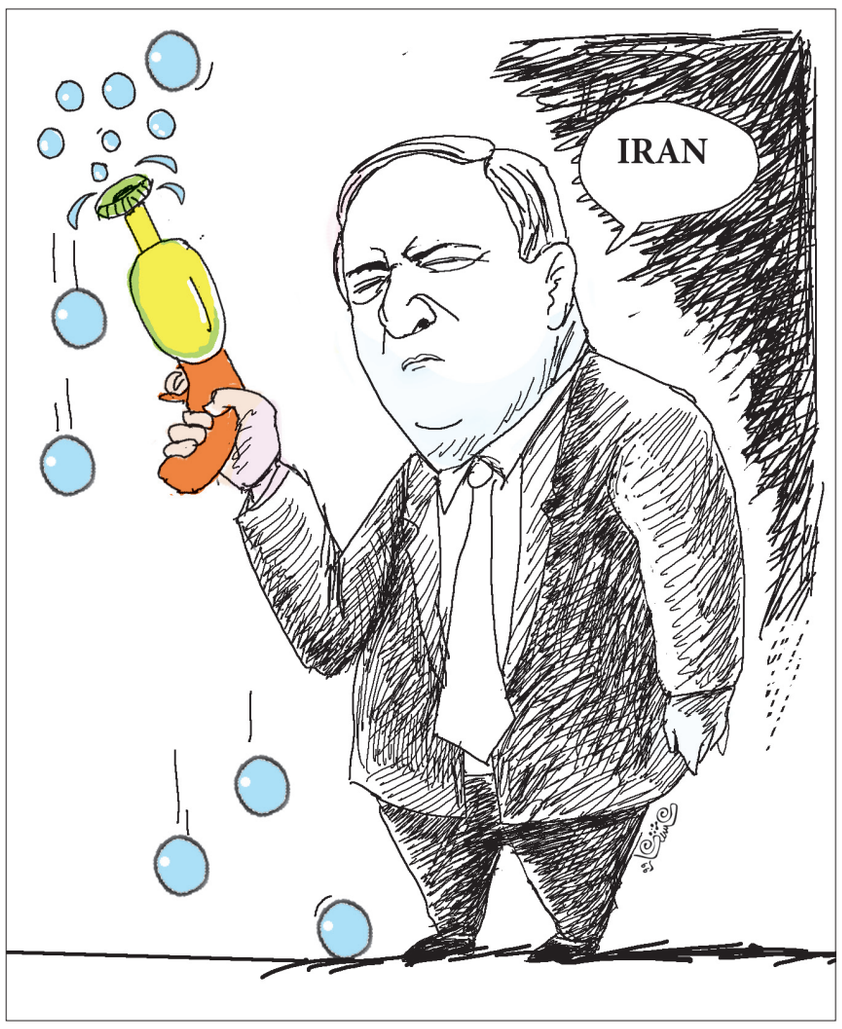

«گیلدا» فیلم سینمایی یا نمایش رادیویی!

فیلم دچار آنارشیسم فکری و ذهنی خالقانش است و این هرج و مرج به کل ساختار روایی و شکلی فیلم سرایت کرده و اثری نامفهوم و نامربوط خلق شده است

■ **افشین علیار**

تجربی‌سازی یا تجربه‌گرایی این روزها میان فیلمسازان مرسوم شده است نه اینکه فیلمساز خود آگاهانه بخواهد با این عنوان فیلم بسازد اما ماحصل بیشتر آثار سینمایی به فیلم‌های تجربی بدل شده‌اند؛ فیلم‌هایی که قصد دارند با برهم زدن قواعد مرسوم به یک سینمای دست‌نیافتنی برسند اما به تقلید هم نزدیک نمی‌شوند.

در آثار سینمایی امید بنکدار و کیوان علیمحمدی این میل به ساختارگرایی و ایجاد محتوای غیرمرسوم با فرمی تقلیدی بیشتر به چشم می‌خورد، یعنی اگر ساخته‌های قبلی این دو فیلمساز را که بیشتر به طور مشترک کارگردانی کرده‌اند دیده باشید، درک خواهید کرد محتوا و فرمی که در فیلم‌هایشان استفاده می‌کنند خاص است اما این خاص بودن در آثار آنها نتوانسته به یک شکل جدید از محتوا و اجرا تبدیل شود بلکه شیوه ساختار این دو کارگردان در پیچیدگی متن و اجرا خلاصه می‌شود، به طوری که انگار آثار آنها برای مخاطب فرهیخته یا روشنفکر ساخته شده است اما اتفاقاً برای مخاطبی ساخته شده که به دلیل نامفهوم بودن ساختار فیلم دچار گیجی می‌شود و احتمالاً با خود می‌گوید لابد این پیچیدگی هنری در سطح درک من نیست.

میل به فرم‌گرایی و اداباز‌ی مثلاً ساختارگرایانه در این فیلم غیرقابل توجیه است.

در خلاصه این فیلم آمده: گیلدا مالک یک رستوران سیاه‌ترین شب زندگی‌اش را پشت سر می‌گذارد، اما وقتی فیلم شروع می‌شود و ۵۰دقیقه از آن می‌گذرد، باز هم ما چیزی از ماجرا نمی‌دانیم، یک مهناز افشار داریم که نقش گیلدا را بازی می‌کند و چند مرد روبه‌روی او در یک کافی‌شاپ که دیالوگ‌های بی‌ربط رد و بدل می‌کنند، دیالوگ‌نویسی باید در بستری مناسب با قواعد درام و موقعیت‌سازی بر اساس خط روایی نوشته شود اما در گیلدا قواعد طور دیگری است.

با فیلمی ضدداستان و روندی نامنسجم مواجهیم؛ ملاقات‌های زنی به نام گیلدا در تیپ‌های مختلف با روایتی غیرمنطقی! دو کارگردان فیلم قصد داشته‌اند با قواعدی نانوشته وارد ساختار مدرن شوند، برای همین در گیلدا قصه‌ای برای روایت وجود ندارد و آنچه ما می‌بینیم می‌تواند یک نمایش رادیویی باشد چراکه فیلم در موقعیتی ناشناخته با سروصداهای گوش‌خراشِ محیطی می‌خواهد مخاطب را درگیر کند اما نمی‌تواند چراکه فیلم در مسیر هموار و شناخته‌شده‌ای جلو نمی‌رود و اگر قرار است فیلم با روندی غیرمرسوم شکل بگیرد، باید ابعاد پرداخت در فیلمنامه و ساختار مشخص شود.

گیلدا نه زمان دارد و نه مکان؛ چند اپیزود به هم پیوسته شلخته است که اساساً نامش اپیزود هم نیست، می‌توانیم نام آن را وصله خوردن بگذاریم؛ وصله‌هایی که منطق روایی ندارند. دیالوگ‌هایی که میان گلی و بهراد، حجت و مولود، سازمان مجاهدین و دختر روسپی و آن روحانی که هیچ چیزی از حرف‌هایش نمی‌فهمیم رد و بدل می‌شود، قطعاً فضیلت ساختاری و مدرن‌سازی نیست، می‌توانیم آن را ذوق‌زدگی در ایجاد فرم و اجرای غلوشده قلمداد کنیم و نکته مهم این است که گیلدا به رغم ژستی که دارد، هیچ ادای دینی به سینما هم نیست. فیلم پس از ۱۰دقیقه تبدیل به یک اثر کسل‌کننده می‌شود چراکه مخاطب فقط باید دیالوگ گوش کند که شاید این دیالوگ‌ها جایی از فیلم استفاده شود اما اینطور نیست و هیچ ربط منطقی با جهان اثر ندارد.

از زاویه دیگر می‌توانیم اینگونه به فیلم نگاه کنیم که گیلدا می‌تواند فیلمی برای به نمایش گذاشتن مهناز افشار در تیپ‌های مختلف باشد که البته بازی او هم مانند بازیگران دیگر این فیلم جزو نقات ضعف است. حرکت دایره‌وار دوربین و کات‌های سریع و بی‌منطق و استفاده از آمبیانس مخاطب را به شدت کلافه می‌کند.

هنرمند تصویرگر کشورمان مطرح کرد

آثار انقلابی را از گنجینه‌ها خارج کنید!

تجسمی

هنرمند تصویرگر کشور بر این باور است که «باید آثار هنری که با موضوع انقلاب و دفاع مقدس کار شده‌اند، جمع‌آوری کرد و در یک موزه مجزا به نمایش گذاشته شوند» موضوعی که متأسفانه تاکنون مورد توجه نهادهای فرهنگی نبوده و کار پژوهشی و علمی نیز در این زمینه صورت نگرفته است.

حبیب‌الله صادقی، هنرمندی که به عنوان نقاش انقلاب نیز شناخته می‌شود و آثار متعددی را با موضوع دفاع مقدس خلق کرده، در گفت‌وگویی با ایسنا با تأکید بر اهمیت انجام پژوهشی در زمینه آثار هنری که با موضوع انقلاب و دفاع مقدس کار شده‌اند، اظهار کرد که «متأسفانه نه تنها هنوز چنین اقدامی صورت نگرفته، بلکه هیچ کتاب جامع و کاملی نیز در این حوزه منتشر نشده است.»

صادقی خاطرنشان کرد: نمادها و نشانه‌هایی که در آثار هنرهای انقلابی وجود دارد، باید از سوی پژوهشگران و کارشناسان هنری و تاریخی مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین باید با هنرمندان این حوزه که هنوز در قید حیات هستند و همچنان به ارزش‌ها وفادارند، گفت‌وگوهایی انجام شود تا یک تصویر جامعی از چگونگی شکل‌گیری و پیشرفت هنر انقلابی و دفاع مقدسی حاصل شود اما متأسفانه هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است. این هنرمند نقاش با بیان اینکه «چندگانگی در جمع‌آوری آثار انقلابی وجود دارد»، ادامه داد: برخی از مراکز هنری همانند موزه هنرهای معاصر، بنیاد شهید، باغ موزه دفاع مقدس و دفتر نشر آثار امام خمینی(ره) برخی از آثار هنری انقلابی را خریداری کرده‌اند، اما این آثار وارد موزه‌ها و سپس درها بسته شده است. از سوی دیگر چند کتاب نیز در این زمینه منتشر شده که متأسفانه از کیفیت علمی- پژوهشی لازم برخوردار نیستند، به عنوان مثال در زمینه کاریکاتورهای انقلاب نیز هیچ اقدامی پژوهشی صورت نگرفته و تمامی آثار در میان صفحات روزنامه‌ها به آرشیو رفته است.

صادقی با اشاره به توجه کشورهای پیشرفته به اهمیت آثار هنری و انجام پروژه‌های تحقیقاتی در این حوزه یادآور شد: نیاز است که یک سازمان و مجموعه پژوهشی، تمامی آثار انقلابی را بدون هیچ‌گونه شعاری، از سال‌های پیش از پیروزی تا دفاع مقدس کنار همدیگر قرار بدهد و جستارها، روزشمارها و نشانه‌ها و نمادهای این آثار را ببیند و مورد بررسی قرار دهد. مدیر اسبق موزه هنرهای معاصر تهران در پاسخ به این پرسش که چرا تاکنون چنین اقدامی صورت نگرفته است، توضیح داد: یکی از علل اصلی این موضوع این است که ما موزه‌ای به نام انقلاب اسلامی نداریم. موزه دفاع مقدس وجود دارد، اما بیشتر جنبه نظامی دارد. ما نیازمند موزه‌ای دائمی در این حوزه هستیم تا بتوانیم آثاری را که در گنجینه مراکز فرهنگی وجود دارد به همراه آثار موجود در گنجینه شخصی هنرمندان به نمایش بگذاریم.

شعر

امینی: بعضی می‌گویند کاش «شهریار» برای جنگ شعر نمی‌گفت!

ما در رسانه‌ها نباید آدم‌های بزرگ را با ذهن و دید خودمان کادربندی کنیم. بعضی می‌گویند کاش استاد شهریار آن چند شعر را درباره جنگ نمی‌گفت. این سخن انسان‌های سطحی است، گویی در مقابل یک کوه بایستیم و فقط بخشی از کوه را ببینیم.

چهل و نهمین مراسم شب شاعر، ویژه استاد محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار) و تجلیل از مدافعان سلامت با حفظ پروتکل‌های بهداشتی در نخلستان سازمان هنری- رسانه‌ای اوج با حضور شاعرانی چون محمود اکرامی‌فر، اسماعیل امینی، ناصر فیض، بهروز قزلباش و کامران شرفشاهی برپا شد. بهروز قزلباش شاعر و روزنامه‌نگار و منتقد ادبی در ابتدای برنامه با بیان اینکه شهریار غزل‌سرا بود و تجربیات نیمایی او به منزله تأیید کار و حرکت نیما محسوب می‌شد، عنوان کرد: شهریار در شعر ترکی خود نیمای دیگری بود که راه‌های تازه‌ای را برای ادبیات و زبان ترکی گشود و گستره قالب‌های شعر ترکی را از قالب‌های محلی و کلاسیک عبور داد و آن را وسعت بخشید. او در ادامه گفت: آن قدر که در اشعار ترکی شهریار هویت ملی و ایرانی بودن اهمیت دارد، شاید هیچ عنصر دیگری به این قوت و قدرت خودنمایی نکند. در ادامه برنامه اسماعیل امینی شاعر و پژوهشگر برجسته کشورمان به اهمیت شعر با زبان ترکی پرداخت و گفت: گمان می‌کنم تمام جناح‌بندی‌ها و سیم‌خاردار کشیدن‌ها برای آدم‌های سطحی است. ما در رسانه‌ها نباید آدم‌های بزرگ را با ذهن و دید خودمان کادربندی کنیم. من می‌بینم بعضی می‌گویند کاش استاد شهریار آن چند شعر را درباره جنگ نمی‌گفت. این سخن انسان‌های سطحی است، مثل این است که ما در مقابل یک کوه با عظمت ایستاده‌ایم و فقط بخشی از آن کوه را می‌بینیم و بر زبان می‌آوریم. استاد شهریار بزرگ‌تر از آن چیزی است که بخواهیم سطحی و غیرتخصصی در موردش صحبت کنیم.

در گفت‌وگوی «جوان» با تهیه‌کننده پیشکسوت سینما مطرح شد

امیدوارم اتحاد تهیه‌کننده‌ها فعالیت این صنف را حرفه‌ای‌تر کند

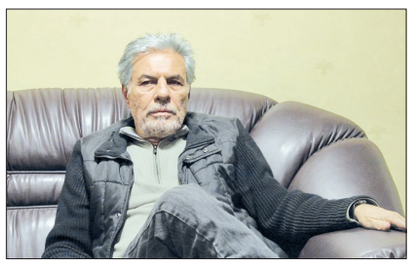

گفت‌وگو

اتحاد تهیه‌کنندگان اتفاق خوبی است، به شرطی که این اتحاد پابرجا بماند و تهیه‌کنندگان به این باور برسند یکپارچگی آنها در هر حالتی بهتر از انشقاق است و نقاط ضعف خود را مرتفع کنند.

سیروس تسلیمی تهیه‌کننده قدیمی سینما با بیان این مطلب به «جوان» گفت: اینکه بالاخره بعد از مدت‌ها تهیه‌کنندگان یکپارچه شدند و زیر سایه اتحادیه فعالیت می‌کنند، خیلی بهتر از چندتکه بودن است، به خصوص که رئیس سینما هم بعد از اتحاد، بر واسپاری امور تهیه‌کنندگی به اتحادیه تأکید کرده است.

تهیه‌کننده «پرنده کوچک خوشبختی» تأکید کرد: امیدوارم سازمان سینمایی در عمل هم حامی اتحادیه تهیه‌کنندگان باشد و تحت هیچ شرایطی اجازه ندهد افراد غیرصنفی وارد شوراهایی شوند که بناست با حضور تهیه‌کنندگان به نتیجه برسد.

این تهیه‌کننده باسابقه با اشاره به ضرر و زیان چنددستگی تهیه‌کنندگان خاطرنشان ساخت: مهم‌ترین آسیب چنددستگی، همین روال صدور مجوز تهیه‌کنندگی برای افرادی بود که بعضاً بی‌رزومه عملیاتی کافی، مجوز تهیه‌کنندگی گرفتند و قطعاً آسیب‌زن به صنف خواهند بود.

تهیه‌کننده «میکس» افزود: تهیه‌کنندگی پشتوانه هرگونه تولیدی چه در سینما و چه در شبکه خانگی است و در همه جای دنیا افراد کارکشته هستند که می‌توانند تهیه‌کننده شوند ولی آنچه در سال‌های اخیر دیدیم ورود برخی افراد بی‌ربط به وادی تهیه‌کنندگی بود که دردسرهای زیادی برای صنف سینما رقم زد. این تهیه‌کننده با ابراز امیدواری به بهبود صنف تهیه‌کنندگی در سایه اتحاد، عنوان کرد: وقتی تهیه‌کنندگان متحد باشند و حرف واحد بزنند و درخواستی واحد داشته باشند در آن صورت سازمان سینمایی هم تکلیفش روشن‌تر خواهد بود و مطالبات را در این شرایط بهتر می‌توان پی گرفت. تهیه‌کننده «پرنده آهنین» تأکید کرد: اعلام حمایت رئیس سینما از اتحاد تهیه‌کنندگان یک پالس مثبت برای صنف است که از حالا به بعد با پیگیری بهتری به فکر حل مشکلات تهیه‌کنندگی باشند، ضمن اینکه قدرت پاسخگویی صنف را هم بالا می‌برد و اگر ایراد و اشتباهی در ساختار تهیه‌کنندگی باشد، قطعاً با یک صنف طرفیم نه چند صنف و یکپارچگی به حل سریع‌تر مشکل کمک می‌کند.

این تهیه‌کننده گفت: اغلب تهیه‌کنندگان خوشحالند که بالاخره به یکپارچگی رسیده‌اند، چون هویت تهیه‌کنندگی از حالا به بعد هویت به مراتب قدرتمندتری است و راحت‌تر از گذشته می‌توان جلوی نفوذ افراد بی‌ربط در صنف را گرفت.